

سابقه تمدن جدید در ایران

اولین دور بین نجومی جدید در ایران

مکرر در اوراق همین مجله تحت عنوان فوق یا عناوینی شبیه بآن یاد آور شده‌ایم که اولین آثار تمدن جدید کمی بعد از آنکه در اروپا ظاهر شده بتوسط تجار و مسافرین و مبلغین فرنگی که بایران می‌آمده‌اند در این سرزمین معروف بعضی از درباریان و خواص میشده و عده معدودی از ایرانیان که با این فرنگیان حشر و معاشرت داشته‌اند آنها را می‌شناخته.

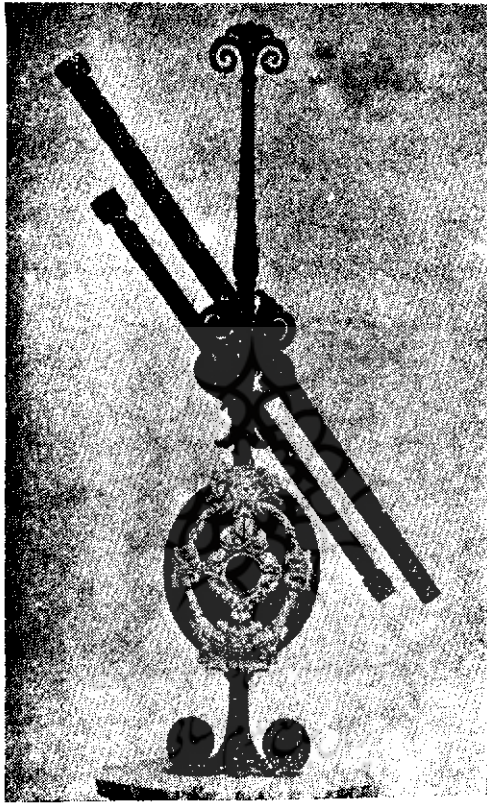
این آشنائی ایران با آثار تمدن جدید که از اوایل سلطنت ترکمانان آق‌قویونلو شروع شده و در دوره ایالت عباس میرزا نایب‌السلطنه بر آذربایجان بمنتهای بسط رسیده چنانکه گفتیم در اوایل یعنی در عهد امرای آق‌قویونلو و سلاطین صفویه و زندیه زیاد عمومیت نداشته و چون سلاطین و امرا بکار رواج آنها توجهی نمی‌کرده‌اند معرفت عده مردم آشنا بآنها از حد چندتن بخصوص تجاوز نمی‌نموده است.

یکی از قدیمترین آثار تمدن جدید که در ایران بتوسط بعضی از همین فرنگیها که گفتیم نیک عده از ایرانیان معرفی شده دوربین نجومی (تلسکوپ) است، اینک شاهی بر این دعوی.

میرزا عبدالله اصفهانی معروف بافندی (۱۰۶۷- حدود ۱۱۳۴) در کتاب نفیس ریاض‌العلماء که در سال ۱۱۰۶ تألیف شده در جلد اوّل از قسم ثانی آن در شرح حال ثابت بن قره‌حرّانی مهندس معروف بتناسبی چنین مینویسد:

«مولى محمد صالح قزوینی در کتاب نوادر العلوم والأدب چنین آورده که در زمان ما در اصفهان مردی فرنگی فاضل مهندس ذوقنون هست که در فنّ ریاضی علی-الخصوص عدیل و سهیم ندارد و آلتی ساخته است و از استادان فرنگ فرا گرفته که

چون از آن آلت نظر کنی در شب بسیار ستارگان که دیده نشده اند دیده شوند و علی الخصوص در حوالی بعضی از سیارات ستاره چند بنماید و ماه بهیأتی عجیب نموده شود و ایشان دعوی کنند که در میان ماه زمینها و جنگلها و شهرهاست و خوشه پروین چنان



اولین دور بین نجومی ساخت گالیله

بزرگ نماید که بوصف نیاید و ستارگان بیشمار در او پیدا بود از هم بمسافت دور جدا الغرض عجیبا آن آلت در آسمان دیده شود و هیأت آن آلت بر مثال انبویی است همچو نبی هندی که از آن نیزه سازند بطول دو ذرع تخمیناً او از نبی نیزه غلیظتر از مقوای کاغذی ساخته اند و در دو طرف آن دوشیشه مدور همچو عینک نصب کرده سر آن صنعت در آن دوشیشه و هیأت آنهاست در تدویر و تقعیر و مثل این چون چشم بر یک شیشه

نهند و از درون نی بنگرند این اثر بر آن دو شیشه مواجه هم مترتب گردد و بس عجیب است.

«و عجیب تر از این آن که هم این فرنگی که مسمی بر فائیل است آلتی مانند شاخ نفیر قلندران ساخته است که چون بر گوش شخص کر نهند بشنود و برای تجربه بر گوش شخصی که گوشش سخت گران بود نهادیم و او را از دور خواندیم آواز داد و آنچه گفتیم می شنید...»

صاحب ریاض العلماء بعد از نقل این کلام گوید:

«اما آنچه در باب این آلت مولی محمد صالح آورده چیزی تازه نیست چه آن الآن بین اقوام فرنگی شایع است و ما آنرا مکرر در قسطنطنیه و اصفهان دیده ایم و آن در حقیقت یک نوع آلتی است از نوعی که بدورنما معروفست و مادر آن خواص دیگری غیر از آنها که او نقل کرده است دیده ایم. اما قصه آلتی که کر بتوسط آن میشوند این همان چیزی است که طرفاً آنرا عینک گوش میخوانند و آن شبیه باین مثل فارسی است که گویند: عینکی بگوشت بگذار، من بصحت و تأثیر آن معتقد نیستم.»

اولین دور بین نجومی را در سال ۱۶۰۸ مسیحی (۱۰۱۷ هجری قمری) یکی از منجمین هلندی بنام ایپرشلی ۱ و دومین را گالیله منجم ایتالیائی در سال بعد ساخته و در ۱۶۱۰ مسیحی (۱۰۱۹ هجری) آنرا در ملاحظه آسمان و رصد کواکب بکار برده اند. راوی روایت فوق یعنی مولی محمد صالح بن محمد باقر قزوینی مشهور بروغنی اگرچه تاریخ تولد و وفاتش معلوم نشد مسلم است که تا حدود ۱۰۸۰ زنده بوده زیرا که ترجمه صحیفه سجادیه او در سال ۱۰۷۳ ۲ و ترجمه او از توحید مفضل در سال ۱۰۸۰ بانجام رسیده ۳ بنا بر این تا سال ۱۰۸۰ حیات داشته و کتاب و ادرا العلوم و الأدب را در همین حدودها نوشته است و خود او از علمای عهد شاه عباس دوم

۱-Lippershey-۲-الدریعة ص ۱۱۲ ج ۴

۳- فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار تألیف آقای ابن یوسف ج ۲ ص ۱۴

(۱۰۵۲-۱۰۷۷) و شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۶) بوده است و این زمان قریب پنجاه شصت سال بعد از تاریخ اختراع دوربین نجومی در اروپا و استخدام آن در کار رصد کوکب است.

اما رفائیلی که مولی محمد صالح قزوینی در نوشته خود از او ذکر می کند با قرب احتمال باید همان رفائیل دومانس ا کشیش فرانسوی باشد که در سال ۱۶۱۳ میلادی (۱۰۲۲ هجری) متولد و در سال ۱۶۹۶ میلادی (۱۱۰۸ هجری) در اصفهان فوت کرده و او که از مبلغین عیسوی بوده مدت پنجاه و یک سال در ایران اقامت داشته و در سال ۱۶۶۰ (۱۰۷۱ هجری) کتاب بنام وضع ایران ۲ بفرانسه نگاشته و بوزیر معروف مملکت خود کلبر^۱ تقدیم داشته و در آن اوضاع ایران و تشکیلات آنرا در عهد صفویه با کمال دقت تشریح کرده است.

رفائیل دومانس در تمام مدتی که در ایران بوده در دستگاه شاه عباس ثانی و شاه سلیمان سمت مترجمی داشته و غالب مکاتبات و روابط این پادشاهان با خارجه در ایام اقامت او در اصفهان بتوسط وی انجام میشده است.

چون زمان او کاملاً با زمان ملامحمد صالح قزوینی درست درمی آید و هر دوی ایشان نیز در اصفهان مقیم بوده اند و رفائیل دومانس کاملاً با احوال علمی اروپا آشنا بوده هیچ بعید نیست که غرض ملامحمد صالح در نوادر العلوم و الأدب از آن فرنگی که رفائیل نام داشته و اولین دوربین نجومی را در اصفهان ساخته بوده همین رفائیل دومانس فرانسوی مؤلف کتاب « وضع ایران در سال ۱۶۶۰ میلادی » باشد.

بدیخانه در حین نوشتن این مختصر کتاب مذکور او در دسترس من نیست تا ببینم

که در آن باین مسأله اشاره ای کرده است یا نه ؟